



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Islamic
Theology and Knowledge

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://rahnama.isri.ac.ir>

Volume: 2; Number: 3



The Role of the Banū Makhzūm ibn Yaḡẓah in the Formation and Consolidation of the Caliphate of the Early Caliphs

Ebrahim Rezaei Keliri*

Doi: <https://doi.org/10.22034/gr.2025.547930.1097>

Receipt: 2025/09/18 - Accepted: 2025/11/02

(101-125)

Abstract

After the demise of the Prophet Muhammad (PBUH&P), the first model of selecting a caliph without reliance on divine designation emerged—a model that faced numerous challenges and oppositions and required the economic, military, political, and cultural backing of Quraysh for its consolidation. One of the most influential clans within Quraysh was Banū Makhzūm ibn Yaḡẓah. Since examining the role of Quraysh tribes in the early developments of the caliphate is essential for understanding the mechanisms of its legitimization, this study, using a descriptive-analytical method and based on early Shi'i and Sunni sources, explores the various dimensions of the Banū Makhzūm's involvement in the formation and consolidation of the caliphate of the early caliphs.

The findings indicate that during the caliphate of Abū Bakr, figures such as Khālid ibn al-Walīd, 'Ikrima ibn Abī Jahl, and al-Muhājir ibn Abī Umayya played a pivotal role in the Saqīfa event, the Riddah wars, and the conquests, while holding administrative positions such as the governorship of Yemen and 'Umān. Under 'Umar, the active participation of the Makhzūmīs in the conquests of Syria and Iraq, and their appointment as governors of cities such as Mecca and Ṣan'ā, demonstrate the continuity of their political prominence. During 'Uthmān's reign, the explicit support of Banū Makhzūm for him in the six-member council (shūrā) and their defense of his caliphate amid the final crises highlight this clan's political influence. In the period of Imam 'Alī (A), although the majority of the Makhzūmīs stood in opposition, exceptions such as Umm Salama and her sons supported the Imam. Overall, by relying on their genealogical prestige, economic resources, and military strength, Banū Makhzūm was among the principal actors in the succession developments after the Prophet (PBUH) and played a crucial role in the formation and stabilization of the early caliphate.

Keywords: Banū Makhzūm ibn Yaḡẓah; Quraysh; Succession; Caliphate; Khālid ibn al-Walīd.

*. Professor of Advanced Levels, Seminary of Qom; Graduate of Level 4 in Shia Studies, Center for Specialized Studies in Shia Studies, e.r181359@gmail.com.



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

پژوهشگاه الهیات و معارف اسلامی

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی پانگاه نشریه: <http://rahnama.isri.ac.ir>

سال دوم، شماره سوم

نقش «بنو مخزوم بن یقظه» در شکل گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین

ابراهیم رضایی کلیری *

Doi: 10.22034/gr.2025.547930.1097

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

نوع مقاله: پژوهشی

(۱۰۱-۱۲۵)

چکیده

پس از رحلت رسول خدا ﷺ نخستین الگوی انتخاب خلیفه بدون تکیه بر نص الهی پدیدار شد؛ الگویی که با مشکلات و مخالفت‌های فراوانی روبه‌رو گردید و برای تثبیت خود به پشتوانه اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی قریش نیاز داشت و یکی از بطون تأثیرگذار آن، «بنو مخزوم بن یقظه» بود. از آنجا که بررسی نقش قبایل قریش در تحولات آغازین خلافت برای فهم سازوکار مشروعیت بخشی آن ضرورت دارد، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کهن شیعه و اهل سنت، ابعاد مختلف نقش آفرینی بنی مخزوم در شکل‌گیری و تثبیت خلافت خلفای نخستین را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که در عصر ابوبکر، شخصیت‌هایی چون خالد بن ولید، عکرمه بن ابوجهل و مهاجر بن ابی امیه در سقیفه، جنگ‌های رده و فتوحات نقش محوری داشتند و مناصب اجرایی چون ولایت یمن و عمان را به عهده گرفتند. در دوره عمر، حضور فعال مخزومیان در فتوحات شام و عراق و تصدی ولایت شهرهایی همچون مکه و صنعا، نشانگر استمرار جایگاه سیاسی آنان است. در عصر عثمان نیز حمایت آشکار بنی مخزوم از او در شورای شش نفره و دفاع از خلافت در بحران‌های پایانی، بر نفوذ این بطن در عرصه سیاست تأکید دارد. در دوره امام علی (ع)، گرچه اکثریت مخزومیان در جبهه مخالف بودند، اما استثناهایی مانند ام سلمه و فرزندانش در کنار امام قرار گرفتند. در مجموع بنی مخزوم با اتکا به سرمایه‌های نسبی، اقتصادی و نظامی، یکی از بازیگران اصلی در تحولات جانشینی پس از پیامبر اسلام ﷺ بوده و در شکل‌گیری و تثبیت خلافت خلفا نقش بسیار مهمی داشتند.

واژگان کلیدی: بنو مخزوم بن یقظه، قریش، جانشینی، خلافت، خالد بن ولید.

*. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌آموخته
سطح ۴ مرکز تخصصی شیعه‌شناسی،
e.r181359@gmail.com



مقدمه

نخستین و بنیادی‌ترین مسئله‌ای که پس از رحلت رسول اکرم ﷺ جامعه اسلامی با آن روبه‌رو شد، موضوع جانشینی آن حضرت بود. در اندیشه شیعه، پیامبر در طول حیات خود در مناسبت‌های گوناگون فرد شایسته پس از خویش را معرفی کرده بود، اما پس از رحلت ایشان این نص آشکار نادیده گرفته شد و در ماجرای سقیفه مسیر خلافت به سوی دیگری سوق یافت. استقرار این ساختار آسان نبود و تحقق آن مستلزم بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بود. از آنجاکه بررسی نقش قریش به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین قبیله در شبه جزیره - و بنی مخزوم به عنوان یکی از شاخه‌های برجسته آن - در فهم تحولات تاریخی و سازوکار مشروعیت بخشی خلافت نقشی اساسی دارد، پرداختن به این موضوع ضرورتی انکارناپذیر است. مخزوم یکی از فرزندان یقظه بن مره بوده و به همین علت این بطن به «بنو مخزوم» مشهور است (بدرالدین عینی، بی تا، ج ۲: ۵۳). این بطن از نظر نسب در جد هفتم رسول خدا ص یعنی مره به یکدیگر می‌رسند ولی نسل پیامبر اکرم ﷺ در کلاب بن مره برادرش ادامه پیدا می‌کند. مسعودی (مسعودی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۶۹)، زبیری (زبیری، بی تا، ۴۱۲)، ابن سلام (ابن سلام، ۱۴۱۰ ق، ۲۱۸)، ابن حزم (ابن حزم، بی تا، ۴۶۴)، خلیفه بن خیاط (خلیفه، ۱۴۱۴ ق، ۶۳) و یعقوبی (یعقوبی، بی تا، ج ۱: ۲۳۳-۲۳۸) بنی مخزوم را به عنوان یکی از بطون قریش معرفی کرده‌اند؛ بنابراین برای بررسی نقش قریش در هر مسئله‌ای، شایسته است نقش این قبیله در کنار سایر بطون در نظر گرفته شود.

مطالعه حاضر با تکیه بر منابع کهن فریقین مانند تواریخ عمومی، انساب، صحابه نگاری، طبقات، سیره، مغازی و کتب حدیثی، از رهگذر شناسایی اشخاص منتسب به این قبیله، تحلیل سیره و عملکرد آنان و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که بنی مخزوم بن یقظه در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی چه میزان در شکل‌گیری و تحکیم خلافت‌های آغازین پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ تأثیرگذار بوده‌اند؟

نزدیک ترین پژوهش به مسئله این نوشتار، پایان نامه ارشد رشته تاریخ اسلام دانشگاه محمد بن سعود عربستان با عنوان «أثر بنی مخزوم فی عصر الدولة الأمویة» (طارق بن عبدالله، ۱۴۳۰ ق) و پایان نامه ارشد دانشگاه زنجان با عنوان «نقش قبیله بنی مخزوم در روند تحولات نخستین دوره اسلامی» (اسفندیاری مهنی، ۱۳۹۳) و مقاله «جایگاه و نقش قبیله بنی مخزوم در عصر نبوت تا صلح حدیبیه» (حیدری، ۱۳۹۶، نهمین همایش پژوهش های نوین در علوم و فناوری) است. در نخستین پایان نامه به بررسی جایگاه اجتماعی، اقتصادی و منازل بنی مخزوم در مکه و سپس نقش آنان در دولت معاویه و یزید، فتوحات و اداره شهرها پرداخته است. دومین پایان نامه بیشتر بر نقش بنی مخزوم در دوره جاهلی و نیز دوران مکی و مدنی تمرکز دارد و تنها به طور محدود به فتوحات دوران خلفا و نقش عمار یاسر و ام سلمه در عصر امام علی علیه السلام اشاره کرده است. مقاله نیز جایگاه این قبیله را از جاهلیت تا صلح حدیبیه بررسی کرده است. مدخل «بنی مخزوم» در دانشنامه حرمین شریفین (قدمی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۵۰-۵۴۵) نیز فقط به مباحث مربوط به دوران جاهلیت و دوران مکی و مدنی پرداخته است. مدخل «خالد بن ولید» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (فاتحی نژاد، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۳۱۲) نیز به این شخصیت نقش آفرین بنی مخزوم پرداخته ولی در دوران پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط به فتوحات او اشاره کرده است. مدخل «Makhzūm» در دائرةالمعارف اسلام لیدن (Hinds, 2012, 6: 137-140) نیز به برخی شخصیت های بنی مخزوم در دوران خلفا، اقدامات نظامی آنان و اداره کردن شهرها پرداخته و هیچ تحلیلی در این زمینه ارائه نکرده و به صرف گزارش دهی بسنده نموده است. روشن است که این آثار یا به دوران خلافت نخستین نپرداخته یا به صورت جزئی به آن اشاره کرده است؛ این دوران را از یکدیگر تفکیک نکرده و به نقش آفرینی های ایجابی و سلبی بنی مخزوم در رخدادهایی چون رده، فتوحات، اداره شهرها و جایگاه آنان در روند شکل گیری و تثبیت خلافت خلفا نپرداخته و مسئله جانشینی را به عنوان محور اصلی بررسی خود مطرح نساخته اند؛ بنابراین نوشتار پیش رو به بررسی ابعاد مختلف نقش آفرینی این بطن در شکل گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین می پردازد و تلاش دارد در حد امکان بر اساس گزارش های به جامانده و

افزون بر توصیف، تبیین مناسبی از جنبه‌های مختلف این نقش‌آفرینی - به صورت اثباتی و سلبی - ارائه دهد.

۱. بنو مخزوم بن یقظه؛ از جاهلیت تا دوره نبوی ﷺ

پس از اقدامات قصی در اسکان بخشی قریش در اطراف کعبه، قریش به دو دسته «ظواهر» و «بطاح» تقسیم شدند. بطن‌هایی که در کنار کعبه سکنی گزیدند «قریش بطاح» و سایر بطن که سکونت در بیابان‌های اطراف مکه را ترجیح دادند، «قریش ظواهر» نام گرفتند. بنی مخزوم از مهم‌ترین بطن قریش بطاح است (کحاله، ۱۳۸۸ ق، ج ۳: ۹۴۸؛ ابن خلدون، بی تا، ج ۲: ۳۳۴). در نزاع میان عبدالدار بن قصی و بنی عبدمناف بن قصی به خاطر تقسیم مناصب مکه، بنی مخزوم بن یقظه در زمره «حلف الاحلاف» و در مقابل قبایل «حلف المطیین» قرار گرفتند (ابن هشام، ۱۳۸۳ ق، ج ۱: ۱۳۳۳-۱۳۱۱؛ ابن سعد، بی تا، ج ۱: ۷۷؛ حلبی، بی تا، ج ۱: ۲۲). این قبیله در پیمان حلف الفضول نیز به دلیل تقابل با قبایل «حلف المطیین» حضور نداشتند (مسعودی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۷۰). در این دوره ریاست بنی مخزوم را هشام بن مغیره بر عهده داشت و در جنگ‌های فجار نیز هم او این بطن را رهبری می‌کرد (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ج ۲۲: ۳۰۷؛ بغدادی، ۱۳۶۱ ق: ۱۷۰؛ بغدادی، بی تا: ۱۷۲). حضور تأثیرگذار این قبیله در این نبردها بازتاب گسترده‌ای در میان شعرا و حتی دشمنان این قبیله داشته است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۸: ۳۰۸-۲۹۷)؛ از این جهت بنی مخزوم همیشه بر همه قبایل حتی بنی امیه تفاخر می‌کردند (بغدادی، بی تا، ۱۰۴-۱۰۰). بنا بر نقل گزارش‌های تاریخی، بنی مخزوم یکی از فعال‌ترین قبایل قریش برای اداره امور مکه مانند بازسازی و تعمیر خانه خدا (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۹۹) بودند و ولید بن مغیره اولین کسی بود که برای انجام این کار پیش قدم شد (ابن اثیر، بی تا، ج ۱: ۱۷). بنو مخزوم به ریاست خالد بن ولید یکی از ده بطنی است که در هنگام ظهور اسلام شرافت و سیادت قریش به او منتهی شد (ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۲۴: ۱۱۷). قصیده لامیه ابوطالب نشان می‌دهد که این قبیله در رقابت با بنی هاشم قرار داشت و از بنی عدی که وامدار و هم‌پیمان آنان بود به عنوان ابزاری برای رقابت با بنی هاشم استفاده کرده است. بنا بر نقل ابن حبیب این

دشمنی یک بار موجب تفاخر میان بنومخزوم و بنی قصی شد ولی در نهایت کاهن به نفع بنوقصی رأی داد (بغدادی، بی تا: ۱۰۶). در نبردهای قریش با قبایل دیگر و جنگ‌های درونی قریش در جاهلیت، مسئولیت «القبة» و «الأعنة» قریش بر عهده افرادی از بنی مخزوم بود (ابن هشام، ۱۳۸۳ ق، ج ۴: ۶۷۷). «القبة» به خیمه‌ای چرمی گفته می‌شد که در مواقع معین و هنگام لزوم برپا می‌شد و مهمات جنگی در آن فراهم می‌گشت. قبه در واقع اسلحه‌خانه قریش بود. «الأعنة» نیز به سرپرستی ستوران قریش در هنگام جنگ اطلاق می‌شد (ابن جوزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۲۱۷؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۶: ۲۵۴؛ ج ۲۴: ۱۱۸؛ مقریزی، ۱۴۲۰ ق، ج ۶: ۲۴۴). این شواهد و گزارش‌ها نشان می‌دهد که قدرت نظامی قریش در دستان این قبیله بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد قبیله مخزوم از منظر اقتصادی از جایگاه مهمی برخوردار بود. اموال فراوان برخی از شخصیت‌های بنی مخزوم مانند مغیره بن عبدالله (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۱۴۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۹۹؛ زبیری، بی تا: ۳۰۵)، ولید بن مغیره (طبرسی، بی تا، ج ۱۰: ۱۷۹)، عکرمة بن ابی جهل (ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۴۱: ۵۳ - ۶۹)، هشام بن مغیره (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۱۷۲) خطاب قرآن به برخی شخصیت‌های این قبیله با وصف «اولی النعمة» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۸: ۱۱۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۹: ۴۵) و رباخوار بودن بنومغیره (ثعلبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۸۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۱: ۳۶۴) از مهم‌ترین شواهد این ادعاست.

مقایسه شمار اسامی ذکرشده از بطون مختلف قریش در جدول زیر بر اساس اسامی برشمرده شده توسط مصعب زبیری از زمان فهر تا زمان پیامبر ﷺ، نشان می‌دهد بنومخزوم پرجمعیت بطن قریش و در رتبه اول میان آنان است (پیرمردیان و عزتی، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

قبیله	بنو نضیر	بنو سبأ	بنو خزیمه	بنو نضیر	بنو سبأ	بنو خزیمه	بنو نضیر	بنو سبأ	بنو خزیمه	بنو نضیر	بنو سبأ	بنو خزیمه	بنو نضیر	بنو سبأ	بنو خزیمه	بنو نضیر	بنو سبأ	بنو خزیمه
تعداد	۲۶	۳۴	۳۵	۳۹	۴۱	۶۳	۶۶	۷۲	۸۴	۱۰۷	۱۲۱	۱۶۱	۱۷۰	۱۸۷				

جدول ۱: شمار اسامی ذکرشده از قبایل قریش در کتاب نسب قریش

ارتباطات نسبی بنومخزوم با رسول خدا ﷺ و خلفا دارای اهمیت فراوان است. فاطمه

بنت عمرو مخزومی مادر عبدالله بن عبدالمطلب است و از همین رو برخی از مخزومی‌ها دایی‌های پدر پیامبرند. دو تن از همسران پیامبر اکرم ﷺ یعنی ام سلمه و میمونه نیز مخزومی هستند (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۲: ۴۷۳؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۷).

مادر عمر بن خطاب یعنی حنتمه بنت هاشم بن مغیره از بنی مخزوم است (ابن شبهه، بی‌تا، ج ۲: ۶۵۴؛ بغدادی، بی‌تا: ۱۳۰-۱۳۱)؛ ام حکیم بنت حارث بن هشام (ابن سعد، بی‌تا: ج ۳: ۲۶۵-۲۶۶؛ طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۲۶۹-۲۷۰)، قریبه بنت ابوامیه بن مغیره خواهر ام سلمه (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۲۶۹-۲۷۰) و فاطمه بنت ولید بن مغیره (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۲۷۸) همسران عمر بن خطاب از این قبیله در دوره جاهلیت و دوره اسلامی هستند. بنا بر برخی گزارش‌های تاریخی همگام با بعثت اسلام برخی افراد این قبیله مانند عیاش بن ابی ربیع برادر مادری ابوجهل (ابن جوزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۳۲۴) و ارقم بن ابی ارقم اسلام را پذیرفتند و پس از آن منزل ارقم در کنار کوه صفا محل امنی برای حضور مخفیانه مسلمانان در کنار آن حضرت شد (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۲۱۵؛ زبیری، بی‌تا: ۴۱۲). از برخی مسلمانان این قبیله مانند سلمه بن هشام (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۹۹)، عبدالله بن عیاش بن ابی ربیع (ذهبی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۶۷)، عبدالله و هبار فرزندان سفیان (ابن سعد، بی‌تا، ج ۴: ۱۳۶) به عنوان «اسلم قدیما» و «قدیم الاسلام» و «من السابقین» یاد شده است.

در یک تحلیل آماری رفتارشناسی ۱۰۸ قبیله از قبایل عرب ساکن حجاز در مقابل دعوت پیامبر ﷺ به پنج سنخ همراه کامل، همراه حداکثری، نیمه همراه، همراه حداقلی و غیرهمراه تقسیم شده است. ۵۰ قبیله یعنی ۴۵/۸۷ درصد آنان در سنخ قبایل و طوایفی قرار گرفته که از آغاز بعثت پیامبر اکرم ﷺ از هیچ‌گونه اقدامی بر ضد آن حضرت و یارانش دریغ نکردند و در دو دوره دعوت مکی و مدنی پرچم‌دار مخالفت، عناد و سرکشی در مقابل اسلام بودند که یکی از این قبایل بنی مخزوم است (مظاهری و ترابی فارسانی و پیرمادیان، ۱۳۹۷: ۲۳۵).

۲. نقش بنو مخزوم بن یقظه در خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ ق)

خلافت ابوبکر نقطه عطفی بود که برای نخستین بار جانشینی بر اساس غیر نص را

پایه گذاری کرد. این نوپدید با مخالفت هایی مواجه شد و برای تداومش به تکیه گاه های اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی نیاز داشت؛ قریش و به ویژه بنو مخزوم سهم مهمی در تأمین این مؤلفه ها و رخداد های کلان داشتند و در تثبیت خلافت مؤثر بودند.

۲-۱. سقیفه و شکل گیری الگوی جانشینی انتخابی

گزارش های برجای مانده نشان می دهد که قبیله بنو مخزوم در سقیفه حضور فعالی داشته و با اقدامات مختلف سعی در شکل گیری خلافت خلفا داشتند. بنا بر منابع شیعی، برخی از صحابه پیش از واقعه غدیر با برخی دیگر پیمان بستند که نگذارند خلافت به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برسد؛ این پیمان نامه به صحیفه ملعونه معروف شد. در روایتی امام صادق علیه السلام نزول آیاتی از قرآن (مجادله: ۷) را درباره همین افراد دانسته است (کلینی، ۱۳۶۳ ق، ج ۸: ۱۷۹-۱۸۰). بنا بر گزارش های تاریخی و روایی عیاش بن ابی ربیع، عکرمه بن ابی جهل و خالد بن ولید از بنی مخزوم از جمله امضا کنندگان این صحیفه بودند (دیلمی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۳۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۸: ۱۱۱).

یکی از اقدامات سیاسی مهم قریشیان و از جمله بنو مخزوم پس از رحلت پیامبر، حمایت نظام مند و گفتمان سازی مشروعیت سیاسی ابوبکر برای خلافت در سقیفه و روزهای پس از آن بود که با محوریت چهره های مهمی صورت گرفت، یکی از آنها خالد بن ولید مخزومی است. خالد از طرفداران و محافظان ابوبکر (طبرسی، ۱۳۸۶ ق: ۱۰۹) بود و پس از انتخاب ابوبکر برای تقویت خلافت او سخنرانی کرد. وی با یادآوری دشواری های آغازین اسلام و تأکید بر ختم نبوت، هرگونه مرجعیت جدید دینی را رد کرد و ابوبکر را رهبری شایسته و بی عیب دانست. این سخنان، مشروعیتی اعتقادی و سیاسی برای خلافت پدید آورد و پاسخی به مخالفانی چون انصار و بنی هاشم بود. هرچند مردم از این بیان خالد تعجب کردند ولی حزن بن ابی وهیب مخزومی خالد را با اشعارش ستایش کرد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۲۳: ۶-۲۲؛ زبیر بن بکار، ۱۴۱۶ ق: ۵۱۳-۵۱۱). گزارش فوق نشان می دهد که در سقیفه و روزهای پس از آن از قبیله بنی مخزوم تنها خالد بن ولید حضور نداشت بلکه در کنار او سایرین نیز حضور داشته اند.

خالد بن ولید در ماجرای نقشه، توطئه و ترور حضرت علی علیه السلام نیز مشارکت داشته و از طرف ابوبکر به‌عنوان مجری نقشه انتخاب شد؛ هرچند در اجرای نقشه، ابوبکر در لحظه‌ای بحرانی دچار تزلزل شد و در اثنای نماز، سه بار خالد را از اجرای دستور منصرف ساخت (طبرسی، ۱۳۸۶ ق، ۱۱۸-۱۱۷؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲: ۱۲۲). این گزارش تاریخی از منابع شیعه، یکی از مهم‌ترین اسناد درباره تنش‌های شدید پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که به روشنی از طراحی حذف فیزیکی امام علی علیه السلام توسط هسته مرکزی خلافت خبر می‌دهد. بنومخزوم در تهدید و ارعاب مخالفان ابوبکر، از جمله امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام نیز نقش داشتند. بنا بر برخی گزارش‌ها خالد بن ولید از جمله مخزومیانی است که در ماجرای هجوم به خانه فاطمه زهرا علیها السلام حضور داشته و از همراهان ابوبکر و عمر به شمار رفته و یکی از حاملان هیزم و آتش بوده است (جوهری، ۱۴۱۳ ق: ۵۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۲: ۵۷) و در بردن امام علی علیه السلام به مسجد همراه با خشونت و اجبار همکاری کرده است (جوهری، ۱۴۱۳ ق: ۷۳). بنا بر نقل ابن ابی الحدید حارث بن هشام و عکرمة بن ابوجهل دو تن از بزرگان بنومخزوم در سقیفه نقش داشتند. پس از بیعت مردم با حکومت ابوبکر و مستقر شدن حکومت او گروه زیادی از انصار از بیعت با ابوبکر پشیمان شدند و به دنبال بیعت با امام علی علیه السلام بودند. پس از کناره‌گیری انصار این افراد جلسه‌ای تشکیل دادند و در این جلسه حارث بن هشام از خدمات انصار تجلیل کرد ولی به آنان متذکر شد که در صورت شکستن پیمان با ابوبکر فقط شمشیر میان آنان حکم خواهد کرد. عکرمة بن ابوجهل نیز با استناد به سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد پیشوایی قریش، خلافت را حق آنان دانست؛ او در پایان بر این نکته تأکید کرد که به خدا سوگند اگر از همه قریش جز یک مرد باقی نماند خداوند این حکومت را بهره‌او خواهد فرمود «اللہ لو لم یبق من قریش کلها الا رجل واحد لصیر اللہ هذا الامر فیہ» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۶: ۲۳). این گزارش نشان می‌دهد که این افراد در مکه به مثابه نیروهای مؤثر اجتماعی و سیاسی ظاهر شدند؛ با همراهی خود انصار را تضعیف کرده و مخالفان را مورد تهدید قرار دادند تا این‌گونه به هدف خود که تقویت مشروعیت خلافت بود برسند.

۲-۲. جنگ‌های رده

در آغاز خلافت ابوبکر، برخی از قبایل از پذیرش حاکمیت او سر باز زدند و این امر خطری جدی برای حکومت نوپای وی پدید آورد. به‌عنوان نمونه، حارث بن معاویه کنندی خطاب به زیاد بن لیبد - مأمور گردآوری زکات در حضر موت - اظهار داشت: «به خدا سوگند، شما خلافت را از صاحبان حقیقی اش به سبب حسد ربویدید! دلم باور ندارد که پیامبر اکرم ﷺ رحلت کرده باشد بی آنکه جانشینی تعیین کرده باشد»، زیاد او را از آن دیار بیرون راند (واقعی، ۱۴۱۰ ق: ۱۷۷)، حارث بار دیگر نیز تأکید کرد: «ما در زمان پیامبر مطیع او بودیم؛ اکنون نیز اگر کسی از خاندانش قیام کند، از او تبعیت خواهیم کرد؛ اما ابوبکر هیچ عهد و پیمانی بر گردن ما ندارد» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۴۷؛ واقعی، ۱۴۱۰ ق: ۱۷۷)؛ علاوه بر این، خودداری برخی قبایل از پرداخت زکات، آسیب اقتصادی سنگینی به دستگاه خلافت وارد می‌ساخت. شخصیت‌های بانفوذی که نقش مهمی در تثبیت قدرت ابوبکر داشتند، این تهدید سیاسی و مالی را نپذیرفتند و با حضور فعال در نبردهایی که بعدها به «جنگ‌های رده» شهرت یافت، برای سرکوب مخالفان اقدام کردند. در میان یازده لوا جنگ برای مبارزه با مرتدین سه پرچم به شخصیت‌های بنی مخزوم اختصاص داشت. ابوبکر پرچمی برای خالد بن ولید مخزومی برای نبرد با طلیحه بن خویلد، پرچمی دیگر به عکرمه بن ابوجهل برای جنگ با مسیلمه کذاب و پرچمی نیز برای مهاجر بن ابی امیه بست و او را به نبرد با اسود عنسی در یمن فرستاد (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۲۶۹-۲۷۰؛ ابن جوزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۷۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ ق، ج ۶: ۳۴۷). برخی مورخان نیز معتقدند اسود در زمان حیات رسول خدا ﷺ توسط فیروز دیلمی کشته شد (بلاذری، ۱۹۵۶ م، ج ۱: ۱۲۶). بنا بر برخی گزارش‌ها مهاجر بن ابی امیه در نابودی مرتدین در یمن نقش بسیار مهمی داشت (ابن اثیر، بی تا، ج ۴: ۴۲۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۶: ۱۸۰). مرگ برخی از شخصیت‌های بنی مخزومی مانند ولید بن عماره و برادرش ابوعبیده (ذهبی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۵۲)، بجار بن سائب (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۸۶؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۱: ۱۶۳) و حزن بن ابی وهب (بدرالدین عینی، بی تا، ج ۸: ۱۸۰) در نبردهای رده، حاکی از حضور

فعال این افراد در این نبردهاست. تلاش‌های خالد بن ولید و عکرمه بن ابی جهل و حضور گسترده بنومخزوم در خاموش کردن فتنه رده، نشان از حضور مؤثر نظامی این بطن قریش در تثبیت حاکمیت ابوبکر دارد.

۲-۳. سایر جنگ‌ها و فتوحات

بنومخزوم با مشارکت فعال در فتوحات دوران ابوبکر، او را به تثبیت خلافت یاری رساند. این اقدام افزون بر رفع تهدیدهای سیاسی و اقتصادی، راهبردی هوشمندانه برای مهار بحران‌های داخلی و هدایت مخالفان به جبهه‌های بیرونی با شعار «جهاد فی سبیل الله» بود (حتی، ۱۳۶۶: ۱۸۶)؛ انگیزه‌ای که در توسعه فتوحات و لشکرکشی‌های دوره خلافت عثمان نیز ذکر شده است (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۸ ق، ج ۱: ۳۴)؛ همچنین، غنائم حاصل از این جنگ‌ها منبعی اساسی برای تأمین نیازهای مالی و پشتیبانی اقتصادی حکومت جدید به شمار می‌آمد. مشارکت افرادی از قبیله بنومخزوم بن یقظه در این نبردها نقشی چشمگیر در تحقق مقاصد نظامی ایفا کرد و در پی آن، دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی یادشده را نیز تسهیل نمود. خالد بن ولید بلافاصله پس از اتمام نبردهای رده برای فتوحات به سمت ایران حرکت کرد. ابوبکر در سال دوازده هجری به خالد بن ولید دستور داد که در حمله به عراق ابتدا از اُبَلّه آغاز کند (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۷۷). خالد پس از فتح اُبَلّه، حیره را فتح کرد و پس از آن شهرهای مختلفی را یکی پس از دیگری گشود (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۵۸۲-۵۵۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۹۷-۱۱۰). بنا بر نقل یعقوبی، خالد بن ولید پس از ورود به عراق بانیقیا، کسکر و فرات را نیز فتح کرده است (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۳۱). ابوبکر پس از آن در سال سیزدهم هجری خالد بن ولید را برای فتح شام برای کمک به مسلمانان، اعزام کرد. خالد در راه حرکت برای فتح شام، بصری، اجنادین فلسطین و فحل را فتح کرد (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۳۳؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۸۰). نقش پررنگ خالد بن ولید در فتوحات آن قدر زیاد بود که ذهبی از او به «کثیر الفتوحات» یاد می‌کند (ذهبی، بی تا، ج ۱: ۲۵). غیر از خالد بن ولید، برخی از شخصیت‌های متعلق به قبیله بنومخزوم مانند حارث بن هشام و عکرمه در فتوحات حضور داشتند (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۲۷۸). بنا بر نقل ابن عساکر دمشقی،

حارث بن هشام در نبرد اجنادین فرماندهی لشکر را بر عهده داشت (ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۱: ۵۰۳). در نبرد اجنادین برخی از این شخصیت‌ها مانند سلمه بن هشام بن مغیره برادر ابوجهل، هبار بن اسود بن عبدالاسد (ابن سعد، بی تا، ج ۳: ۲۶۵-۲۶۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۱۵۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۶: ۱۸۰) و نعیم بن عبدالله نحام حضور داشتند و در این جنگ کشته شدند (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۲۶۹-۲۷۰). بنا بر نقل‌های تاریخی عکرمه بن ابی جهل و فرزندش عمرو (همان، ج ۲: ۵۹۷)، ابوعبیده بن عماره بن ولید (ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۶۷: ۶۳؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۵: ۲۵۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۷: ۲۲۵)، هشام بن عماره بن ولید (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۶: ۱۸۰)، عبدالرحمن بن عماره بن ولید (ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۳۵: ۱۳۷؛ ج ۴۸: ۲۲۰) و فائد بن عماره بن ولید نیز در اجنادین و یا در فحل محلی در نزدیکی دمشق (همان، ج ۴۸: ۲۲۰) کشته شدند. در گزارش ابن اثیر و ابن عساکر دمشقی، عکرمه از اموال شخصی خود برای فتوحات در این دوره استفاده کرد و از گرفتن اموال بیت‌المال برای تجهیز لشکر خودداری کرد (ابن اثیر، بی تا، ج ۴: ۶؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۴۱: ۶۹). از مجموعه گزارش‌ها چنین به نظر می‌رسد که قبیله بنی مخزوم در عرصه نظامی ظهور و بروز قدرتمندی در دوره خلیفه اول داشتند.

۲-۴. ولایت شهرها

یکی از اقدامات سیاسی مهم قریشیان برای تثبیت خلافت ابوبکر، ورود فعالانه بنومخزوم به ساختار اجرایی حکومت و بر عهده گرفتن ولایت شهرها بود. این حضور سازمان‌یافته هم در تثبیت مشروعیت سیاسی خلافت و هم در کنترل جریان‌های معارض مؤثر واقع شد. کارگزاران ابوبکر بری در اداره شهرهای این دوران عبارت‌اند از: امارت عکرمه بن ابوجهل بر عمان (ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۴۱: ۵۱؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق، ۷۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۵: ۹۶) و یمن (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۳۶)؛ امارت خالد بن ولید بر دُبا در اطراف بصره (حموی، ۱۳۹۹ ق، ج ۲: ۴۳۵) و امارت مهاجر بن ابی امیه بر صنعاء یمن (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق، ۸۲).

۳. نقش بنو مخزوم بن یقظه در خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ ق)

۳-۱. فتوحات

از مهم‌ترین وقایع در دوران عمر بن خطاب فتوحات است که در حکومت ابوبکر شروع شده بود و در حکومت عمر بن خطاب ادامه یافت. عمر بن خطاب، پس از مرگ ابوبکر، خالد بن ولید را به دلیل اقدامات غیر شرعی و ضد اخلاقی او در واقعه کشتن مالک بن نویره و ازدواج با همسر او قبل از تمام شدن عده (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۵۸۱) از ولایت شامات برکنار و ابو عبیده را به جای او منصوب کرد (طبرانی، بی تا، ج ۱: ۱۵۶)، البته عزل خالد به معنای عدم مشارکت او در فتوحات نیست بلکه او زیر نظر ابو عبیده جراح در اکثر فتوحات حضور داشت و در بسیاری از نبردها فرماندهی بخشی از سپاه را برعهده داشت. خالد در سال ۱۴ هجری مرج الصفر از سرزمین‌های دمشق را فتح کرد (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۳۹-۱۴۰؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۸۴). فتح روم، بعلبک، حمص، قنسرين، بیت المقدس و ایلپاء (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۹۳) در سال ۱۶ هجری (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۴۰-۱۴۲) فتح نصیبین و آمد در سال ۱۷ هجری (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۷۷) نیز فتوحاتی است که به دست خالد انجام شده است. بنا بر برخی اقوال حارث بن هشام در همین دوران به شام رفت بود و برای فتوحات دائماً در حال مجاهدت بود (زبیری، بی تا: ۳۰۲) و در نبرد یرموک در همین دوران کشته شد (همان). بنا بر برخی اقوال عکرمه بن ابی جهل، سفیان بن عبدالاسد، عیاش بن ابی ربیع، حارث بن هشام (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۸۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۲۴۲)، عبدالله بن سفیان (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳: ۹۲۱؛ ابن سعد، بی تا، ج ۴: ۱۳۶؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۸۹)، عبیدالله بن سفیان (زبیری، بی تا، ۳۳۸؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۳۷: ۴۶۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳: ۱۰۰۸؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۳۳۹) و هبار بن سفیان (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۲۲۴) در نبرد یرموک در دوران حکومت عمر بن خطاب کشته شدند.

۳-۲. ولایت شهرها

برخی شخصیت‌های بنی مخزوم در این دوره ولایت شهرها را برعهده گرفتند و در زمره والیان

عمر بن خطاب بر شمرده شده‌اند؛ از جمله ولایت خالد بن ولید بر قنسرین (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۱۶۶) و دمشق (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۱۱۱) از طرف ابو عبیده جراح و ولایت او بر رها، حران، رقه و آمد توسط عمر بن خطاب است (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۵۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۲۹۶). عمر بن خطاب، عبدالله بن ابی ربیع را نیز بر ولایت جند (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۶۱؛ طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۳۰۳)، صنعاء (ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۱۵۵) و یمن (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۱۱۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۲۰۶)، خالد بن عاص بن هشام بن مغیره مخزومی را بر ولایت مکه (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۴۳۱) و عمار بن یاسر از موالی بنو مخزوم را بر ولایت کوفه (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ ق: ۱۱۱) گمارد.

۳-۳. مشارکت در اداره حکومت

برخی از بنو مغیره نیز به عمر بن خطاب در حکومت داری کمک می‌کردند. هشام بن ولید، برادر خالد بن ولید، از فرستادگان عمر نزد سعد بن ابی وقاص به خاطر شکایت مردم از او در کوفه بود (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۹۹) و هم او در مرگ ابوبکر گریه می‌کرد و با عمر بن الخطاب برای ساکت کردن زنان عزادار همکاری می‌نمود (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۶: ۴۲۷). در همین دوران سعید بن یربوع بن عنکبته مخزومی یکی از چهار قریشی بود که به دستور عمر بن خطاب مسئولیت نشانه گذاری حدود حرم را بر عهده داشت (همان، ج ۳: ۹۸). عبدالله بن ابی امیه مسئول جمع آوری صدقات (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۲۰۱) و عمرو بن حرث نیز مسئولیت اقامه نماز جماعت برای زنان را بر عهده داشت (ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۴۱۹). در همین دوران خالد بن ولید به همراه محمد بن مسلمه به دستور عمر، سعد بن عباد را در شام ترور کردند. سعد از مخالفان خلافت ابوبکر و عمر بود و پس از بیعت نکردن، به شام تبعید شده بود. حکومت قتل او را به اجنه نسبت داد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۷: ۲۲۳).

۴. نقش بنو مخزوم بن یقظه در خلافت عثمان بن عفان (۲۳-۳۵ ق)

۴-۱. انتخاب عثمان بن عفان

بنی مخزوم در انتخاب و حمایت از خلافت عثمان نقش فعالی داشت. از برجسته ترین

حامیان او عبدالله بن ابی ربیعہ بود که نفوذش به قدری بود که عمر بن خطاب شورای شش نفره را از اختلاف بر حذر داشت، زیرا بیم داشت عبدالله از یمن و معاویه از شام خلافت را به دست گیرند (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۴: ۷۰). بنا بر برخی گزارش‌ها، وقتی عبدالرحمن بن عوف از مردم درباره انتخاب خلیفه نظرخواهی کرد (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۲۶۹-۲۷۰؛ جوهری، ۱۴۱۳ ق: ۷۳)، عمار از خلفای بنو مخزوم از جا بلند شد و به او توصیه کرد برای جلوگیری از اختلاف به علی رأی دهد. مقدار نیز پیشنهاد عمار را تأیید کرد ولی عبدالله بن سعد بن ابی سرح لب به اعتراض گشود و گفت: «عبدالرحمن! اگر می‌خواهی قریش با تو مخالفت نکند، باید به عثمان رأی بدهی». عبدالله بن ابی ربیعہ مخزومی نیز از او حمایت کرد. مقدار خطاب به ابن ابی سرح گفت: «ای دشمن خدا و رسول خدا و کتاب خدا! از چه هنگام صالحان و نیکوکاران سخن تو را شنیده و می‌شنوند؟! عبدالله بن ابی ربیعہ به او گفت: «ای پسر قسم خورده فرومایه از چه هنگامی کسی چون تو جرئت کرده در کار قریش دخالت کند» (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۲۹۷؛ ابن شهبه، بی تا، ج ۳: ۹۳۰؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۷۰). بنا بر نقل مسعودی، عمار در جلسه شورا پس از اطلاع از سخنان ابوسفیان در منزل عثمان اعتراض شدید خود را علناً ابراز داشت (مسعودی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۴۲)؛ هاشم بن ولید بن مغیره به او گفت: «ای پسر سمیه، جایگاه خویش را نشناختی و پای از گلیم خود فراتر نهادی، تو را به آنچه قریش برای خود مصلحت می‌بیند چه کار، تو در کار قریش و امیری ایشان حقی نداری، پس خود را کنار بکش. قریش هم همگان سخن گفتند و بر عمار فریاد زدند و او را به سختی راندند» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۹: ۵۸). بنی مخزوم برای به خلافت رسیدن عثمان به صورت جدی از او حمایت کرده و تا آخر حکومت عثمان نیز در کنار او حضور داشتند. در این دوران عبدالرحمن بن حارث بن هشام مخزومی، داماد عثمان بن عفان شد و عثمان او را در هیئت جمع قرآن بر لغت قریش نیز قرار داده بود (بخاری، بی تا، ج ۴: ۱۵۶ و ج ۶: ۹۷-۹۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۱۵۷). عبدالرحمن در ماجرای یوم الدار حضور داشت و در دفاع از عثمان زخمی شد (ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۳: ۲۸۴). عبدالله بن ابی ربیعہ مخزومی در زمان

شورش علیه عثمان در خانه او حضور داشت و از سوی خلیفه به امیرالحاجی منصوب شد، اما به سبب آشوب‌ها، ابن عباس جانشین او گردید (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۴۳۴).

۴-۲. امارت شهرها

برخی از والیان عثمان بن عفان در این دوران از بنی مخزوم هستند. عثمان، عبدالله بن ابی ربیع را بر ولایت صنعا (مفید، ۱۴۱۳: ۲۳۱) و جند (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۴۴۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۳: ۱۵۵) و خالد بن عاص بن هشام را بر ولایت مکه (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳: ۴۳۱) و حمص (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۳۶۷) و عبدالرحمن بن خالد را بر ولایت حمص گمارد (طبری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۳۶۷).

۵. نقش بنو مخزوم بن یقظه در خلافت حضرت علی علیه السلام (۳۵-۴۰ ق)

۵-۱. جنگ‌ها

قبلاً بیان شد که بنی مخزوم از قدرتمندترین تیره‌های قریش، از دوران جاهلیت در تقابل با بنی هاشم قرار داشت. تحلیل ابوجهل و اعتراف صریح او مبنی بر صدق پیامبر در ادعای نبوت، ولی امتناع از پذیرش آن به دلیل ترس از انحصار تمام مناصب در دست بنی قصی (زرکلی، ۱۹۸۰ م، ج ۵: ۸۷؛ طبرسی، بی تا، ج ۴: ۴۲)، بیانگر ماهیت سیاسی - قبیله‌ای این تقابل است. او معتقد بود پیامبر قصد برتری دادن بنی هاشم بر سایر قریش را دارد و تا زمانی که بنی هاشم وجود داشته باشد، برای قریش شرافتی باقی نخواهد ماند (بغدادی، بی تا: ۳۵۶). این دشمنی در میدان‌های نبرد همچون بدر نمود عینی یافت؛ جایی که شمار چشمگیری از بزرگان بنی مخزوم مانند عاص بن هشام بن مغیره (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۱۷۴؛ زبیری، بی تا: ۳۰۲)، به دست امام علی علیه السلام کشته شدند و همین مسئله کینه‌ای تاریخی را نسبت به آن حضرت در دل آنان تثبیت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز، بنی مخزوم را از جمله شدیدترین قبایل در دشمنی با اهل بیت معرفی کرده است (شوشتری، ۱۳۶۷: ۷۴). پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، خصومت بنی مخزوم در حمایت خالد بن ولید از خلافت ابوبکر و مخالفت با خلافت علی علیه السلام در شورا آشکار شد و در دوران امام علی علیه السلام نیز فعال ماندند. عبدالله ابی ربیع مخزومی در دوران محاصره عثمان از صنعا به منظور کمک به او حرکت کرد ولی زمانی که در نیمه راه از قتل او آگاه

گردید به طرف مکه حرکت کرد و به عایشه پیوست. او در مکه فریاد می‌زد: «هر کس بخواد برای گرفتن انتقام خون خلیفه در این جهاد شرکت کند من هزینه‌های او را تأمین می‌کنم» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۱). بنا بر نقل شیخ مفید، عبدالله بن ابی ربیع دارای اموال فراوانی بود ولی همه را برای مجهز کردن لشکر جمل خرج کرد (همان: ۲۳۲).

در جنگ جمل برخی از بنی مخزوم مانند عبدالرحمن بن حارث در کنار عایشه حضور داشتند و از او حمایت می‌کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۱۵۷) و فرمانده پیاده نظام سمت چپ لشکر عایشه بود (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۳۱). او نزد عایشه از جایگاه والایی برخوردار بود (ابن سعد، بی تا، ج ۵: ۶). عبدالرحمن بن سائب بن ابی السائب (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۸۳۴؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۲۹۶؛ زبیری، بی تا: ۳۳۳)، عبدالرحمن بن حارث (ابن اثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۲۴۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵: ۸۲)، معبد بن زهیر بن ابی امیه (ابن حزم، بی تا، ج ۱: ۱۴۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳: ۱۴۲۶) و عبدالرحمن بن ابوبرده (زبیری، بی تا: ۳۴۶) نیز از جمله مخزومیانی هستند که در جنگ جمل در کنار عایشه حضور داشتند و برخی مانند معبد و عبدالرحمن بن ابوبرده در این جنگ کشته شدند. یکی از شخصیت‌های بنی مخزوم که نزد اهل شام بسیار جایگاه شایسته‌ای داشت، عبدالرحمن بن خالد بن ولید بود. او در صفین در کنار معاویه حضور داشت (زبیری، بی تا: ۳۲۵) و فرماندهی قلب سپاه را بر عهده داشت (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۳: ۴۲۶). معاویه عبدالرحمن را فرزند خود می‌دانست و بسیار مورد علاقه معاویه بود و در لحظات خطیر جنگ به او تکیه داشت (ابن مزاحم منقری، ۱۳۸۲: ۴۲۶). عبدالرحمن بن حارث بن هشام نیز یکی دیگر از مخزومیانی است که در خدمت معاویه بود و در نبرد صفین فرماندهی جناح راست لشکر شام را بر عهده داشت (ابوحنیفه دینوری، ۲۰۱۲ م: ۱۴۷) و از حضار در حکمیت بود (ابن اثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۳۳۰). او در جریان جنگ صفین و پس از به نیزه شدن قرآن‌ها به امام اصرار داشت تا حکم خدا را بپذیرد! (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۸ ق، ج ۱: ۱۰۹). عمرو بن حریث یکی دیگر از شخصیت‌های بنی مخزوم است که به طور کامل در خدمت اموی‌ها و همفکر آنان بود. بنی‌امیه به او ارادت داشتند و مورد وثوق آنان بود (ابن اثیر، بی تا، ج ۴: ۹۸).

در دوران خلافت امام علی علیه السلام، هر چند بنی مخزوم عموماً رابطه‌ای پرتنش با آن حضرت داشت، اما ام سلمه استثنا بود. او با نفوذ دینی و اجتماعی خود از مشروعیت امام دفاع کرد، دعوت طلحه، زبیر و عایشه را رد نمود، بر ماندن زنان پیامبر در خانه و برتری علی علیه السلام تأکید کرد و با استناد به قرآن و سنت، صلاحیت قیام علیه امام را نفی نمود (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱۲۵). ام سلمه در برابر فشارهای سیاسی، به بازخوانی روایات نبوی روی آورد؛ از جمله یادآوری احادیثی درباره جایگاه امام علی علیه السلام و هشدار پیامبر نسبت به خروج عایشه. او حتی به شهادت خود عایشه در تأیید این روایات استناد کرد (ابن اعثم کوفی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۴۵۴) و نشان داد که مخالفت با امام علی علیه السلام مخالفت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۶: ۲۱۸؛ مفید، ۱۹۹۳ م: ۱۱۸). ام سلمه در نامه‌ای به امام علی علیه السلام اوضاع مکه و اهداف طلحه و زبیر را گزارش داد و نوشت: «اگر فرمان الهی و وصیت پیامبر به ماندن زنان در خانه نبود، همراهمان می‌آمدم»، سپس پسرش عمر بن ابی سلمه را که نزد پیامبر و امام محبوب بود، برای یاری کامل به سوی ایشان فرستاد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۶: ۲۱۹). بنا بر نقل ابن ابی الحدید عمر دائماً در کنار حضرت بود و در تمام جنگ‌های آن حضرت حضور داشت. امیرالمؤمنین علیه السلام بعدها استانداری بحرین را به او واگذار کرد (همان). سلمه بن ابی سلمه یکی دیگر از فرزندان آن حضرت در نبردهای آن حضرت حضور داشت. امام علی علیه السلام او را به ولایت خراسان گمارد (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۲۴۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۶: ۴۱۰).

جعه بن هبیره مخزومی یکی دیگر از موافقین امام بوده و آن حضرت دایی او محسوب می‌شود (مفید، ۱۹۹۳ م: ۷۰). در همین دوران مهاجر بن خالد برخلاف برادرش عبدالرحمن بن خالد به خاطر عشق و علاقه به امام علی علیه السلام و ذریه اش در کنار امام علی علیه السلام در صفین حضور داشت (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۱۴۵۳؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۶۱: ۲۶۲) و در این راه جان خود را از دست داد (ابن سلام، ۱۴۱۰: ۲۱۰؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱ ق، ج ۶۱: ۲۶۲). بنا بر نقل ابن ابی الحدید عمر بن خطاب نیز از مهاجر بن خالد به خاطر دوستی اش با امام علی علیه السلام نفرت داشت (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۱: ۶۹). تحلیل

کمی و کیفی نشان می‌دهد بیشتر بزرگان بنی مخزوم در جنگ‌های جمل و صفین در کنار عایشه و معاویه بودند و تنها اندکی از آنان از امام علی علیه السلام حمایت کردند. این قبیله با منابع اقتصادی خود مخالفان امام را تجهیز نمود و با نزدیکی به چهره‌هایی چون عایشه و معاویه نفوذ سیاسی یافت. فرماندهی بخش‌هایی از سپاه نیز نشانگر جایگاه نظامی مؤثر آنان بود.

۵-۲. امارت شهرها

هم‌زمان با آغاز حکومت امام علی علیه السلام آن حضرت، خالد بن عاص بن هشام مخزومی که استاندار عثمان در مکه بود را عزل کرد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۶: ۱۴۰). این گزارش می‌تواند حاکی از رابطه نامناسب این فرد با حضرت علی علیه السلام باشد. در این دوران امیرالمؤمنین علیه السلام عمرو یا عمر فرزند ام سلمه را نیز به ولایت فارس و بحرین (ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۱۱۵۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۲۰۱۰ م، ج ۴: ۷۹) و سلمه بن ابی سلمه را به ولایت خراسان گمارد (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۲۴۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۴۰).

نتیجه‌گیری

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، جانشینی او چالشی اساسی بود. تثبیت خلافت سقیفه نیازمند حمایت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بود. قریش نقش محوری داشت و میان آنها، بنی مخزوم بن یقظه به دلیل جمعیت، ثروت و قدرت نظامی، جایگاهی ممتاز و تأثیرگذار داشت. یافته‌ها نشان می‌دهد که این بطن در دوره ابوبکر، حضوری مؤثر در عرصه‌های سیاسی و نظامی داشت؛ چهره‌هایی چون خالد بن ولید، عکرمه بن ابوجهل و مهاجر بن ابی امیه، در سقیفه، جنگ‌های رده و فتوحات، به عنوان بازوی اجرایی خلافت عمل کردند. همچنین بنی مخزوم با پذیرش مسئولیت‌های اجرایی و ولایت شهرها در ساختار اداری حکومت نقشی برجسته یافت. از میان ۲۴ کارگزار اصلی ابوبکر، نام چهار شخصیت (حدود ۱۶/۷ درصد) از این قبیله در لیست استانداران و فرمانداران این دوره ثبت شده است. در دوره عمر بن خطاب، با وجود عزل خالد بن ولید از فرماندهی کل، مشارکت مخزومیان در فتوحات شام و عراق تداوم یافت و شخصیت‌هایی مانند حارث بن هشام و عبدالله بن ابی ربیع در عرصه نظامی و اداری ایفای نقش کردند. از میان ۴۳ کارگزار اصلی

ابوبکر، نام چهار شخصیت (حدود ۹/۳ درصد) از این قبیله در لیست استانداران و فرمانداران این دوره ثبت شده است. در زمان عثمان نیز حمایت جدی آنان از خلافت، به ویژه در شورای شش نفره و سپس در دفاع از خلیفه در ایام بحران، جایگاه سیاسی شان را نمایان ساخت. از میان ۳۷ کارگزار اصلی ابوبکر، نام سه شخصیت (حدود ۸/۱ درصد) از این قبیله در لیست استانداران و فرمانداران این دوره ثبت شده است. در عصر امام علی علیه السلام، بنی مخزوم عمدتاً در جبهه مخالف قرار گرفتند، هرچند استثنائاتی مانند ام سلمه و فرزندان، در صف حامیان امام قرار داشتند. از میان ۳۸ کارگزار اصلی ابوبکر، نام دو شخصیت (حدود ۵/۱ درصد) از این قبیله در لیست استانداران و فرمانداران این دوره ثبت شده است. در مجموع بنی مخزوم با بهره‌گیری از سرمایه‌های نظامی، اقتصادی و نسبی خود، سهمی مهم در تحکیم خلافت‌های نخستین داشتند؛ حضوری که هم در حمایت آشکار از دستگاه قدرت و هم در تقابل با جریان اهل بیت علیهم السلام تجلی یافت.

اسامی فرماندهان نظامی	مشارکین در اداره حکومت	اسامی کارگزاران شهرها	تعداد کارگزاران از بنومخزوم	تعداد کل کارگزاران	دوره
۱. خالد بن ولید مخزومی ۲. عکرمه بن ابوجهل ۳. مهاجر بن ابی امیه ۴. سلمه بن هشام		۱. عکرمه بن ابوجهل والی عمان و یمن ۲. مهاجر بن ابی امیه والی صنعاء ۳. خالد بن ولید عامل ابوبکر در دُبا و مأمور مالیات و محافظ ابوبکر ۴. عبدالله بن ابی ربیعہ والی جند و یا کل یمن	۴ نفر (حدود) ۱۶/۷ درصد	۲۴	ابوبکر بن ابی قحافه (۱۱-۱۳)
۱. خالد بن ولید مخزومی ۲. عکرمه بن ابوجهل	۱. سعید بن یربوع مخزومی مسئول نشانه گذاری حدود حرم ۲. عبدالله بن ابی امیه مسئول جمع	۱. ولایت خالد بن ولید بر قنسرین و دمشق از طرف ابوعبیده جراح و ولایت بر رها، حران، رقه، تل موزن و آمد از طرف عمر بن خطاب ۲. ولایت عبدالله بن ابی ربیعہ بر جَند و یمن و	۴ نفر (حدود) ۹/۳ درصد	۴۳	عمر بن خطاب (۱۳-۲۳)

آوری صدقات ۳. عمرو بن حریث نیز مسئولیت اقامه نماز جماعت زنان	صنعاء ۳. ولایت خالد بن عاص بن هشام مخزومی بر مکه ۴. ولایت عمار بن یاسر از موالی بنی مخزوم بر کوفه				
	۱. ولایت عبدالله بن ابی ربیع بر جند و صنعاء ۲. خالد بن عاص بن هشام بر ولایت مکه و حمص ۳. عبدالرحمن بن خالد بر ولایت حمص	۳ نفر (حدود ۸/۱ درصد)	۳۷	عثمان (۳۵-۲۳)	
۱. عبدالرحمن بن حارث بن هشام در جنگ جمل فرمانده پیاده نظام سمت چپ لشکر عایشه	۱. عمرو بن ابی سلمه والی بحرین و فارس ۲. سلمه بن ابی سلمه والی خراسان	۲ نفر (حدود ۵/۱ درصد)	۳۸	امام علی ع (۴۰-۳۵)	
۱. عبدالرحمن بن خالد بن ولید فرمانده قلب لشکر معاویه ۲. عبدالرحمن بن حارث بن هشام فرمانده جناح راست لشکر معاویه		صفر (صفر درصد)	۳۹	معاویه (۴۰-۳۵)	

فهرست منابع:

قرآن کریم

- اسفندیاری مهنی، سهیلا (۱۳۹۳). نقش قبیله بنی مخزوم در روند تحولات نخستین دوره اسلامی. استاد راهنما، لیلا تقوی سنگدهی، دانشگاه زنجان، پژوهشکده ادبیات.
- ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرم (۱۴۰۸ ق.). الکامل فی التاریخ. (محقق، علی شیری). بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۸۵ ق.). شرح نهج البلاغه. (محقق، محمد ابوالفضل ابراهیم). بیروت، دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرم (بی تا). أسد الغابة فی معرفة الصحابة. بیروت، دارالکتب العربی.
- ابن اعثم، احمد بن اعثم کوفی (۱۴۰۶ ق.). الفتوح. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۵ ق.). المنتظم فی تواریخ الملوك و الأمم. (محقق، سهیل زکار). بیروت، دارالفکر.
- _____ (۱۴۲۲ ق.). زادالمسیر. (محقق، عبدالرزاق المهدی). بیروت، دارالکتب العربی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۲۰۱۰ م.). الإصابه فی تمییز الصحابه. (محققین، احمد عبدالموجود؛ علی محمد معوض). بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی تا). جمهرة أنساب العرب. بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی تا). تاریخ. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن سعد، محمد بن سعد (بی تا). الطبقات الکبری. بیروت، دار صادر.
- ابن سلام، ابوعبید قاسم بن سلام (۱۴۱۰ ق.). کتاب النسب. (محقق، مریم محمد خیر درع). بیروت، دارالفکر.
- ابن شبه، عمر بن شبه نمیری (بی تا). تاریخ المدينه المنوره. (محقق، فهیم محمد شلتوت). بیروت، دارالفکر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا). مناقب آل أبی طالب. قم، علامه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۵ ق.). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. (محققین، علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود). بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۲۱ ق.). تاریخ دمشق الکبیر. (محقق، علی عاشور الجنوبی). بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۸ ق.). الإمامة و السیاسة. قم، شریف رضی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۹ ق.). البدایه و النهایه. (محقق، احمد ابوملحم). بیروت، دارالکتب العلمیة.

- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۸۳ ق). السیره النبویه. (محقق، محمد محیی‌الدین عبدالحمید). قاهره، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی‌تا). الأغانی. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابوحنیفه دینوری، احمد بن داود (۲۰۱۲ م). الأخبار الطوال. (محقق، عصام محمد الحاج علی). بیروت، دارالکتب العلمیه.
- اعظم مظاهری، سهیلا؛ ترابی فارسانی، مصطفی؛ پیرمرادیان، مصطفی (۱۳۹۷). تحلیل آماری رفتارشناسی قبایل عرب ساکن حجاز در مقابل دعوت پیامبر اسلام ﷺ. فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، ۲۴۵-۲۲۹.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا). الجامع الصحیح. (محققین، احمد زهوه و احمد عنایه)، بیروت، دارالکتب العربی.
- بدرالدین عینی (بی‌تا). عمده القاری شرح صحیح البخاری. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بغدادی، محمد بن حبیب (۱۳۶۱ ق). المحبر. بی‌جا، مطبعة الدائرة.
- _____ (بی‌تا). المنمق. (محقق، خورشید احمد فاروق). بی‌جا.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ ق). أنساب الأشراف. (محققین، سهیل زکار؛ ریاض زرکلی). بیروت، دارالفکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۶ م). فتوح البلدان. (محقق، صلاح‌الدین المنجد). مصر، مکتبه النهضة المصریة.
- پیرمرادیان، مصطفی؛ عزتی، مهدی (۱۳۹۳). ساکنان مکه (تأملی بر چگونگی ساکنان مکه و میزان جمعیت قریش در آستانه ظهور اسلام). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۴، ۱۱۱-۱۳۴.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ ق). الكشف و البیان. (محقق، ابومحمد بن عاشور). بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۰). دائره المعارف بزرگ اسلامی. تهران، دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲). دانشنامه حرمین شریفین. قم، پژوهشکده حج و زیارت.
- جوهری، احمد بن عبدالعزیز (۱۴۱۳ ق). السقیفة و فدک. (محقق، محمد هادی امینی). بیروت، شرکة الکتبی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۲ ق). المستدرک علی الصحیحین. (محقق، مصطفی عبدالقادر عطا). بیروت، دار الکتب العلمیه.
- حتی، فیلیپ خلیل (۱۳۶۶). تاریخ عرب. (مترجم، ابوالقاسم پاینده). تهران، آگاه.

حلبی، علی بن ابراهیم (بی تا). السیرة الحلبیه. بیروت، دار المعرفه.
حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹ ق). معجم البلدان. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
حیدری، منصور (۱۳۹۶). جایگاه و نقش قبیله بنی مخزوم در عصر نبوت تا صلح حدیبیه. تهران،
نهمین همایش پژوهش های نوین در علوم و فناوری.
خلیفة بن خیاط (۱۴۱۴ ق). طبقات خلیفة بن خیاط. (محقق، سهیل زکار). بیروت، دارالفکر.
_____ (۱۴۱۵ ق). تاریخ خلیفة بن خیاط. (محقق، مصطفی نجیب فواز). بیروت، دارالکتب
العلمیه.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۵ ق). ارشاد القلوب. قم، شریف رضی.
ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۹ ق). تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام. (محقق، عمر
عبدالسلام تدمری). بیروت، دارالکتب العربی.
_____ (۱۴۱۳ ق). سیر أعلام النبلاء. (شعب الانزوط). بیروت، موسسه الرساله.
_____ (بی تا). العبر فی خبر من غیر. (محقق، ابوہاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول).
بیروت، دارالکتب العلمیه.

زبیر بن بکار (۱۴۱۶ ق). الأخبار المؤفقیات. (محقق، سامی مکی العانی). بیروت، عالم الکتب.
زبیری، مصعب بن عبدالله (بی تا). نسب قریش. قاهره، دارالمعارف.
زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۰ م). الأعلام. بیروت، دارالعلم للملایین.
سیوطی، جلال الدین (بی تا). تفسیر الدر المنثور. بیروت، دارالفکر.
شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۶۷). الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المهرقة. (مصحح،
جلال الدین حسینی). تهران، مطبعه النهضه.
شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). الجمل و النصره لسید العترة فی حرب البصره.
(محقق، سید علی میرشریفی). قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
_____ (۱۹۹۳ م). الاختصاص. (محققین، علی اکبر غفاری؛ سید محمود زرندی). بیروت،
دارالمفید.

طارق بن عبدالله (۱۴۳۰ ق). أثر بنی مخزوم فی عصر الدولة الأمویة. اشراف: سلیمان بن عبدالله
السویکت، مملکه العربیة السعودیة، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیة، کلیة العلوم
العربیة و الاجتماعیة، قسم التاريخ و الحضارة.
طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). المعجم الكبير. (محقق، حمدي عبدالمجید). بیروت، دار
إحياء التراث العربی.
طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ ق). الاحتجاج. (تعلیقات، سید محمدباقر خرسان). نجف،
عراق.

طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ ق). تاریخ الأمم و الملوك. بیروت، دارالکتب العلمیه.

_____ (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دارالمعرفه.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ ق). الجامع لاحکام القرآن. (محقق، احمد عبدالعلیم بردونی). بیروت، دار إحياء التراث العربی.

کحاله، عمر رضا (۱۳۸۸ ق). معجم قبائل العرب. بیروت، دارالعلم للملایین.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ ق)، الکافی، (محقق، علی اکبر غفاری). تهران، دارالکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. (محقق، محمدباقر بهبودی). بیروت، داراحیاء التراث العربی.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۴ ق). مروج الذهب و معادن الجواهر. قم، دارالهجرة.

مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰ ق). امتاع الأسماع. بیروت، دارالکتب العلمیه.

نصر بن مزاحم (۱۳۸۲). وقعة صفین. (محقق، عبدالسلام محمد هارون). قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۰ ق). الرده. (محقق، یحیی جیوری). بیروت، دارالغرب الإسلامی.

یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب (بی‌تا). تاریخ الیعقوبی. بیروت، دار صادر.

Hinds, M. (2012). Makhẓūm. In P. Bearman (ed.), Encyclopaedia of Islam New Edition. Brill. Vol.